

# جدید عهد درآمدگی پیروسیار



پیروسیار

اشاره

نوشتار حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، نویسنده گزارشی جامع و مشروح از تاریخ شکل‌گیری عهد جدید و نسخه‌های آن ارائه می‌کند و در بخش دوم، دربارهٔ چند و چون و ویژگی‌های ترجمهٔ جدیدی که نویسنده از عهد جدید به فارسی انجام داده است، گزارش می‌کند. چنانکه خواهید خواند، این برگردان جدید دارای مقدمه‌ها، پانویست‌های تفسیری و ارجاعات حاشیبهٔ صفحات است و مأخذ این ترجمه، روایت فرانسهٔ کتاب مقدس اورشلیم است.

عهد جدید عنوان مجموعه آثاری است که مسیحیان به کتاب مقدس افزوده‌اند. این مجموعه مشتمل بر بیست و هفت اثر است که جملگی به زبان یونانی نگاشته شده‌اند، هر چند شواهدی در دست است که انجیل متی دارای نسخه اصلی آرامی بوده است. این بیست و هفت نوشته جایگاه یگانه‌ای در منابع مسیحیت دارند، چرا که معیار ایمان و عالی‌ترین منبع دینی مسیحیان شمرده می‌شوند. عهد جدید بخش دوم کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد و بخش نخست این اثر که در اصل کتاب دینی یهودیان است، از سوی مسیحیان عهد عتیق نام گرفته تا این دو قطعه از یکدیگر تمایز یابند.

واژه «عهد» ترجمه لفظ testament است که خود از کلمهٔ لاتینی testamentum گرفته شده و لفظ اخیر برگردان واژهٔ یونانی  $\alpha\theta\eta\kappa\acute{\eta}\tau\delta$  (diathèkè) است. معمولاً لفظ testament به معنای «وصیت‌نامه» است؛ یعنی سندی که در آن شخص معین می‌کند اموال او پس از مرگش به چه صورت تقسیم شود یا مورد استفاده قرار گیرد، اما این لفظ معنای واژهٔ عبری بریت (berit) را نیز

می‌رساند که در یونانی به *diatheke* برگردانده شده و به معنای «پیمان» است. مراد پیمانی است که بر اساس آن، خدا عهد کرد کسانی را که از زمره قوم او شوند، از مواهب مادی و معنوی آکنده سازد و این همان پیمانی است که بر طبق عهد عتیق، با قوم اسرائیل بست. انتخاب واژه *testament* تا حدودی خصوصیت دوجانبه‌ای را که در هر پیمانی وجود دارد، کم‌رنگ می‌سازد و این، بدان سبب است که بر اقتدار خدا در مقام عهدکننده تأکید شود. با توجه به این نکات، می‌توان عهد عتیق و عهد جدید را دو مجموعه کتاب شمرد که راوی سرگذشت پیمان خدا با آدمیان هستند.

اما صفت «جدید» که به عهد تعلق گرفته است، ناظر بر کلامی شمرده می‌شود که در کتاب اِرمیای نبی، باب ۳۱، آیه ۳۳ آمده است:

«اما خداوند می‌گوید این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نگاشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.»

نظام شریعت قدیم که بر سنگ حک شده بود، باید در نظام تازه‌ای کمال می‌یافت که در آن شریعت بر دل‌ها نگاشته شده است. احتمالاً کلامی که عیسی در شام آخر بر زبان راند و در آن از عهد جدید سخن گفت (لو: ۲۲/۲۰) و نیز تفسیری که پولس از رفع حجاب در مسیح ارائه کرد (۱ کر: ۱۴/۳)، در کاربرد صفت «جدید» نقش داشته و در نهایت موجب تمایز عهد جدید از عهد عتیق گشته است. البته استعمال این صفت بدین معنا نیست که با تکوین عهد جدید، عهد عتیق ابطال می‌گردد. بر عکس، یکی از ویژگی‌های عهد جدید این است که معنای کامل خود را در پیوند با عهد عتیق می‌یابد، همچنان که قدیس آوگوستینوس<sup>۱</sup> نیز گفته است: «عهد جدید در عهد عتیق نهان است و عهد عتیق در عهد جدید عیان گشته است.»

عهد جدید شامل چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان، سیزده نامهٔ منسوب به پولس، سه نامهٔ منسوب به یوحنا، دو نامه منسوب به پطرس، یک نامهٔ منسوب به یعقوب، یک نامه منسوب به یهودا، رساله به عبرانیان و مکاشفه است. عیسی در طول حیات، جز یک بار که با انگشت بر خاک نگاشت (یو: ۶/۸)، نوشته‌ای از خویش باقی نگذاشت.

انجیل‌های چهارگانه به شرح زندگانی و تعالیم پایه‌گذار دین مسیحیت می‌پردازند و هدف آنها برانگیختن ایمان مذهبی نزد خوانندگان است. در این نوشته‌ها زندگی مسیح از بدو ولادت تا صعود او به آسمان شرح داده می‌شود و تعالیم دینی وی بیان می‌گردد. عمده‌ترین بخش‌های این چهار کتاب به دوران پیامبری عیسی و وقایع آن اختصاص می‌یابد و در آنها کلام و اعمال عیسی و معجزاتی که در طول این دوره از او به ظهور رسید. به تفصیل شرح داده می‌شود. سه انجیل متی، مرقس و لوقا شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند و فصل به فصل و گاه آیه به آیه آنها شبیه هم است، هر چند بعضاً در شرح جزئیات، اختلافاتی میان روایت‌های آنها مشاهده می‌شود. از این رو، بر این سه اثر نام «انجیل‌های نظیر» نهاده‌اند، اما انجیل یوحنا از لحاظ ساختار متن با سه انجیل دیگر تفاوت‌هایی دارد و در آن تعالیم و سخنان مسیح با سبک دیگری ارائه شده است.

اعمال رسولان که نوشتهٔ لوقای انجیل‌نگار است، در اصل دنبالهٔ انجیل سوم بوده است. لوقا با استفاده از منابعی که در اختیار داشته است، در این اثر چگونگی

انتشار پیام نجات عیسی را نشان داده و این کار را به‌ویژه با شرح اعمال پطرس، پولس و استفانوس انجام داده است، اما در پی آن نبوده که به دفاع از مسیحیت بپردازد و حقانیت آن را به عنوان میراث بر دین یهود بر کرسی بنشانند. درباره تاریخ مبادی کلیسا، به آنچه در این کتاب آورده اکتفا کرده است و از وقایعی همچون تأسیس کلیسای روم، کارهای پطرس و پولس پس از آزاد شدنشان از زندان و تشکیل نخستین جماعت‌های مسیحی سخنی به میان نیاورده است. با این همه، اثر او حاوی اطلاعات موثقی برای درک مبادی تاریخ مسیحیت است. هدف او بیشتر ارائه گزارشی پرشور از وقایع آن دوران بوده تا از این طریق، موجبات دلگرمی مسیحیان آینده را فراهم سازد.

رساله‌های پولس مجموعه‌ای از سیزده نامه است که مبین آرا و عقاید او هستند، اما شرح دادن این آرا در چند سطر ممکن نیست و برای آگاهی از آنها، باید به متن این نوشته‌ها مراجعه شود. رساله به رومیان نامه‌ای است که پولس در تشریح اندیشه‌های الهیاتی خویش نگاشته است تا زمینه سفر او به روم و دیدار وی با مسیحیان آنجا را فراهم سازد. رساله اول به کُرتیان برای حل مشکلات کلیسای کُرت و پاسخ گفتن به پرسش‌هایی درخصوص ایمان و اعمال مسیحی نگاشته شده است. در رساله دوم به کُرتیان، پولس می‌کوشد از خود در برابر اتهامات واعظان دروغینی که به کلیسای کُرت رخنه کرده بودند، دفاع کند. رساله به گالاتیان به مشکلاتی می‌پردازد که میان یهودیان مسیحی شده و مشرکان به مسیحیت گرویده، بروز کرده بود. در رساله به افسسیان، پولس از مشیت خدا سخن می‌گوید و درباره فیض او در مسیح به تعمیق می‌پردازد. رساله به فیلیپیان نامه‌ای است که پولس برای قدردانی از محبت‌های مسیحیان فیلیپی نگاشته و در آن ایشان را به استواری و فروتنی و همبستگی خوانده است. رساله به کولوسی‌ان در ردّ تعالیم نادرستی است که معلمان دروغین در کلیسای کولوسی القا می‌کردند. رساله‌های اول و دوم به تسالونیکیان برای پاسخ گفتن به پرسش‌هایی که در کلیسای تسالونیک درباره بازگشت مسیح مطرح بود، نگاشته شده است. در رساله اول به تیموتئوس، پولس تیموتئوس را در راه خدمتش تشویق می‌کند و در باب اداره کلیسا و اصلاح تعالیم نادرست، راهنمایی‌هایی ارائه می‌کند و در رساله دوم، او را اندرز می‌دهد و تشویق می‌کند که در برابر سختی‌ها پایداری ورزد و وظیفه خویش را در کار تعلیم ادامه دهد. در رساله به تیتوس، خصوصیات رهبران کلیسا را شرح می‌دهد و در خصوص تعلیم مردم و کردار مسیحی رهنمودهایی ارائه می‌کند. رساله به فیلمون نامه‌ای است که در آن پولس از فیلمون می‌خواهد که برده خود اونسیموس را آزاد کند.

رساله به عبرانیان نوشته‌ای متفاوت در عهد جدید به شمار می‌رود که در متن آن نام هیچ مؤلفی ذکر نشده است. این اثر گونه‌ای خطابه است که برای یهودیان یونانی زبانی که به مسیحیت گرویده بودند و یا برای مشرکان مسیحی شده، به نگارش درآمده است. مؤلف این نامه در پی آن نبوده که پاسخگوی مسائل خاص یک کلیسا باشد، بلکه بیشتر کوشیده است تا به شرح عواملی بپردازد که عهد جدید و عتیق را به یکدیگر پیوند می‌دهد. او مؤکداً اظهار داشته که مسیح یگانه کاهن اعظم است و تاریخ عهدی را که میان خدا و انسان بسته شده، به کمال رسانده و نقطه مرکزی تاریخ بشریت است. رسالات عام (کاتولیک) مشتمل بر هفت نامه است که متعلق به پولس نیستند. این نامه‌ها مخاطب مشخصی ندارند (البته به استثنای رساله‌های دوم و سوم یوحنا) و از این رو، «کاتولیک» خوانده شده‌اند، چرا که لفظ کاتولیک به معنای عام یا کلی است. رساله یعقوب، که «برادر خداوند» و رئیس یهودیان به مسیحیت گرویده بود، احتمالاً در اورشلیم و اندکی پیش از رساله پولس به رومیان نگاشته شده است. این نوشته که سیاق متن‌های آموزنده حکمت را دارد، از نظر پروتستان‌ها به منزله شرحی بر موعظه بر فراز کوه عیسی (مت: ۵-۷) به شمار می‌آید و به‌ویژه به سبب نکوهش اغنیا و عنایت به فقیران جالب توجه است.

رساله اول پطرس برای دعوت مسیحیان روم به مقاومت در برابر آزارگری نگاشته شده است. تاریخ این نامه معمولاً پیش از آزارگری امپراتور روم دومیتیانوس<sup>۲</sup> در سال ۹۰ در نظر گرفته می‌شود. این رساله که از جنبه‌های مختلف شبیه نامه‌های پولس است، اصالتی ویژه دارد و در آن اعتقادات اولیه‌ای که مثلاً در باب

عیسی در مقام بنده بلاکش وجود داشت، ملاحظه می‌شود.

رسالهٔ یهوذا ظاهراً نوشتهٔ برادر یعقوب است و به نکوهش معلمان دروغین و ترغیب مؤمنان به حفظ ایمانشان می‌پردازد. در این رساله از آثار مجعولی (آپوکریف) همچون کتاب خنوخ نقل می‌شود و از این رو، تاریخ تألیف آن قبل از سال ۹۰؛ یعنی پیش از تثبیت قانون عهد عتیق در شورای یمینا، در نظر گرفته می‌شود.

رسالهٔ دوم پطرس وابسته به رسالهٔ یهوذا است، اما در آن نقل از آثار مجعول مشاهده نمی‌شود. نکتهٔ جالب توجه در این رساله آن است که تحول اندیشه‌ها را در باب ظهور آخر زمانی عیسی نشان می‌دهد. این رساله باید پس از تدوین مجموعه نامه‌های پولس نگاشته شده باشد، زیرا در آیات ۱۵-۱۶ از باب سوم آن مؤلف دربارهٔ تدوین مجموعه نامه‌های پولس نظر خود را اظهار می‌دارد.

حال و هوای رساله‌های یوحنا تداعی‌گر انجیل چهارم است. رساله‌های دوم و سوم برای حل مشکلات جماعت‌های خاصی از مسیحیان نگاشته شده است، اما رسالهٔ اول ناظر بر ملاحظات کلی است و اندیشه‌ای را که مخالف جسم یافتن عیسی برای نجات آدمیان از گناهانشان بوده، رد می‌کند. قانون محبت برادرانه، نکتهٔ محوری تعلیم یوحنا را تشکیل می‌دهد.

مکاشفه که آخرین بخش عهد جدید است، با سایر آثاری که در کلیسای مسیحی قانونی شمرده شده‌اند، تفاوت‌هایی دارد و در قیاس با انجیل‌ها، اعمال رسولان و رساله‌ها، سبک ادبی کاملاً متمایزی را ارائه می‌کند. خصوصیات شگفت‌انگیز رویاهایی که در آن نقل می‌شود و نمادگرایی شدید آنها، در کنار وجه نمایشی صحنه‌های توصیف‌شده، به این اثر سیمایی معماگونه می‌بخشد، محتوای الهیاتی مکاشفه از برخی جنبه‌ها بسیار غنی است، خصوصاً از لحاظ مبحث آخر زمان که جایگاه ویژه‌ای را در این اثر به خود اختصاص می‌دهد.

مجموعه‌ای چنین متنوع که از آثاری با گونه‌های مختلف تشکیل شده است، در دل کتابی واحد گرد آمده که تحت عنوان عهد جدید شناخته می‌شود. این آثار بر حسب گونه یا حجم‌شان، نظم و ترتیب یافته‌اند. در ابتدا انجیل‌ها آمده‌اند، اما ترتیب قرار گرفتن آنها همواره یکسان نبوده است و در نسخه سینیایی،<sup>۳</sup> انجیل یوحنا پس از انجیل متی قرار دارد، همچنان که اعمال رسولان پس از انجیل لوقا آمده است. با این همه، ترتیب فعلی انجیل‌ها ارجحیت داشته است. پس از انجیل‌ها و اعمال رسولان، نامه‌های پولس و سپس رساله‌های عام (کاتولیک) می‌آیند که بر حسب حجم خود نظم یافته‌اند، البته ملاک حجم سبب نگاشته است که میان رساله‌های منسوب به مؤلفی واحد فاصله افتد. رساله به عبرانیان میان این دو مجموعه گنجانده شده است و مکاشفه فصل پایانی عهد جدید را تشکیل می‌دهد. بر خلاف عهد عتیق که پیروان مذاهب کاتولیک و پروتستان بر سر آثار تشکیل‌دهندهٔ آن اختلاف نظر دارند، عهد جدید از دیدگاه تمامی ایمان‌داران مسیحی دارای مواد یکسانی شمرده می‌شود و تنها اختلافات موجود بر سر مسئلهٔ نقد متن است.

پس از واقعهٔ فصح که به دنبال آن مرگ و قیام پس از مرگ عیسی و سپس صعود او به آسمان روی داد، شاگردان مسیح به شرکت در آیین‌های عبادی یهودیان ادامه دادند و خاطرات مربوط به زندگی و تعلیم استاد خود را حفظ و منتقل کردند. در پیامی که اینان به سرعت در شرق مدیترانه نشر دادند (پولس در سال ۵۱ در کُرت بود)، عیسی به عنوان مسیح یا منجی مسح‌شده‌ای معرفی می‌شد که پیامبران، و به‌خصوص اشعای سوم، از ظهور او خبر داده بودند. مسیحیان حدوداً تا نیمه سدهٔ دوم میلادی، از دو منبع دینی استفاده می‌کردند که یکی شریعت و کتاب‌های پیامبران، یا همان عهد عتیق، بود و دیگری سخنان و اعمال عیسی که از زبان شاگردان او نقل شده بود و ملاک ایمان جدید به شمار می‌آمد. در نتیجه، سنت رسولان که به صورت شفاهی القا می‌شد، در کنار مکتوبات عهد عتیق قرار می‌گرفت. در آن زمان عهد جدید هنوز به صورت شفاهی یا سینه به سینه منتقل می‌شد.

مسیحیان اولیه که معتقد بودند مشیت خدا در وجود مسیح محقق گشته است، برای توجیه ایمان خود



که مبتنی بر نشانه‌های حاکی از ظهور پیامبر تازه بود، سخنان و اعمال عیسی را نقل می‌کردند و از این طریق به ادعاهای مخالفان نیز پاسخ می‌گفتند. آموزه جدید مسیحیت، در ادامه تفکر یهودی، حول محور مرگ مسیح و ایمان به قیام پس از مرگ او دور می‌زد. هر قدر پیام مسیح از اورشلیم دورتر می‌رفت و از صعود عیسی زمان بیشتری می‌گذشت، اعضای نخستین جماعت‌های مسیحی که عهده‌دار تعلیم بودند، بیش از پیش این نیاز را احساس می‌کردند که برای یاری به حافظه خود، معلوماتشان را در قالب‌های ادبی سنت شفاهی بریزند. این معلومات بعضاً به کتابت در می‌آمدند. بدین سان، مجموعه‌هایی از متن‌های حاوی روایات مربوط به عیسی که بر موضوع مرگ و قیام پس از مرگ او متمرکز شده بود، به کندی شکل گرفت و مدون گشت.

با تدوین این مجموعه‌ها، متونی حاوی شرح معجزات و سخنان و حکایت‌های زندگی عیسی پدید آمد که به مسیحیان در کار موعظه و انجام آیین‌های دینی یاری می‌رساند، اما هنوز انجیل‌ها به صورت آثار مدون شکل نگرفته بودند. نخستین گواهی دال بر تدوین انجیل‌ها، به قدیس یوستینوس<sup>۴</sup> (حدود سال ۱۵۰) مربوط می‌شود که از «خاطرات رسولان» در کنار کتاب‌های پیامبران یاد کرده است. در مورد نوشته‌های پولس، باید به این نکته توجه داشت که تمامی رسالات او حفظ نشده‌اند و در برخی منابع، به نام‌هایی از وی اشارت رفته که باقی نمانده‌اند، اما در هر حال سیزده رساله پولس گواهی بر شکل‌گرفتن تعلیم مکتوب در کنار تعلیم شفاهی است که در شهرهای مختلف القا می‌شد. سایر نشردهندگان ایمان مسیحی احتمالاً از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌کردند.

پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و ویران‌شدن این شهر و معبد آن به دست امپراتور روم تیتوس،<sup>۵</sup> نیاز به گردآوری سنت‌های مسیح در نقاط مختلف بیش از پیش احساس شد. در نتیجه مجموعه‌هایی مدون گشت که تعداد آنها به چهار انجیل فعلی محدود نمی‌شد. اگر عهد عتیق در محیطی تکوین یافت که کمابیش می‌توان آن را متجانس شمرد، نوشته‌های عهد جدید باید نیازهای جوامعی را بر آورده می‌ساخت که از لحاظ زبانی و فرهنگی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشتند؛ از یهودیان فلسطین گرفته تا مشرکان مصر و دریای سیاه و مردمان ایران و روم و احتمالاً اسپانیا. در نهایت تنها چهار عدد از این مجموعه‌ها تحت عنوان انجیل‌های چهارگانه حفظ شد و این، به لحاظ نیاز اساسی‌ای بود که کل جوامع مسیحی در حفظ نوعی وحدت تفکر داشتند.

به نظر می‌رسد که حدوداً از اواسط سده دوم، کلیسا دارای تعدادی متن شده بود که به عنوان مکتوبات مقدس شمرده می‌شدند. در تأیید این نظر، دلایلی چند اقامه می‌شود که به شرح آنها می‌پردازیم. نخست آن که مرقیون،<sup>۶</sup> بدعت‌گذار مسیحی، که بر آن بود تا کلیسایی مطابق با آرای خویش بنیان نهد، تنها شماری از نوشته‌ها را متضمن انتقال حقیقت مکشوف‌شده می‌دانست که عبارت بودند از انجیل لوقا (البته نه تمامی آن) و ده نامه پولس (گالاتیان، اول و دوم کورنتیان، رومیان، اول و دوم تسالونیکیان، افسسیان، کولوسی‌ان، فیلمون، فیلیپیان). امروزه مورخان معتقدند که مرقیون در پی وسعت بخشیدن به یک قانون موجود نبوده، بلکه به دنبال کاستن از گستره آن بوده است، چرا که بدعت‌گذاران معمولاً می‌کوشیدند از شمار متن‌های پذیرفته‌شده بکاهند و نه آن که بر تعداد آنها بیفزایند. دلیل دوم آن است که تاتیانوس<sup>۷</sup> حدوداً در سال ۱۷۷ کتابی با عنوان دیاتسرون<sup>۸</sup> (به معنای «از میان چهار [انجیل]») تألیف کرد که تدوین چهار انجیل در یک انجیل بود، از نظر او آثار مجعول فاقد ارزش بودند. دلیل سوم سندی است که حدوداً به سال ۲۰۰ میلادی مربوط می‌شود و حاوی صورت رسمی کتاب‌هایی است که در کلیسا خوانده می‌شدند. این صورت که یک کتابدار میلانی به نام لودوویکو آنتونیو موراتوری<sup>۹</sup> آن را در سال ۱۷۴۰ در کتابخانه آمبروزیان شهر میلان کشف کرد و به نام او قانون موراتوری خوانده می‌شود، در یک نسخه خطی لاتینی متعلق به سده هشتم ذکر شده و مؤید وجود چهار انجیل، اعمال رسولان، سیزده رساله پولس، رساله یهودا، دو رساله یوحنا و مکاشفه است. در این فهرست، رساله به عبرانیان از قرائت عمومی کنار نهاده شده است و از رساله پطرس، یعقوب و

رساله سوم یوحنا نام نرفته است. در عوض، نوشته‌های مجعولی همچون مکاشفه پطرس ذکر شده‌اند. به احتمال بسیار زیاد، عهد جدید در سده دوم میلادی شامل چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان، سیزده رساله پولس، رساله اول پطرس و رساله اول یوحنا بوده است. اجماع در باب نوشته‌هایی همچون رساله به عبرانیان، مکاشفه، رساله یعقوب، رساله یهودا، رساله دوم پطرس، و رساله‌های دوم و سوم یوحنا که تا آن زمان کمابیش پذیرفته شده بودند، طی دو قرن بعد صورت پذیرفت. در هر حال این اصل در آن زمان پا برجا شده بود که تعدادی نوشته باید به عنوان آثار قانونی شمرده شوند. قدیس آتاناسیوس<sup>۱۰</sup> در سال ۳۶۷ صورتی را مطرح کرد که حاوی بیست و هفت اثر کنونی عهد جدید است، البته این صورت در آن زمان هنوز به طرز فراگیر شناخته شده نبود. شورای سوم کارتاژ در سال ۳۹۷ در مورد صورت آثار عهد جدید حکمی رسمی صادر کرد. اگر در شورای عمومی فلورانس در سال ۱۴۴۱ و در شورای ترنتو در سال ۱۵۴۶ صورت کتاب‌های قانونی عهد جدید یادآوری شد، به سبب مسائل دیگری بود که در این فاصله زمانی مطرح گشته بود.

همچنان که پیش از این گفته شد، بیست و هفت اثر تشکیل‌دهنده عهد جدید جملگی به زبان یونانی به دست ما رسیده‌اند. قدیمی‌ترین نسخه خطی کاملی که حاوی تمامی این آثار است، به نام *نسخه سینایی* شناخته می‌شود، چرا که در سال ۱۸۵۹ در دیر قدیسه کاترین در کوه سینا کشف شده است. این نسخه که متعلق به سده چهارم است، امروزه در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود. در کنار این نسخه کامل، نسخه‌های ناقص بسیار زیادی که تنها در برگزیده بخش‌هایی از عهد جدید هستند، به دست آمده‌اند، در سال ۱۹۸۴، ۹۳ نسخه خطی ناقص که بر پاپیروس نگاشته شده‌اند و تاریخ بعضی از آنها به سال ۱۳۵ می‌رسد، ۲۷۷ نسخه خطی که با حروف بزرگ<sup>۱۱</sup> نگاشته شده‌اند و به سده‌های چهارم تا دهم تعلق دارند، ۲۷۹۶ نسخه خطی که با حروف کوچک نگاشته شده‌اند و متعلق به بعد از سده نهم هستند، و سرانجام ۲۲۱۰ گزیده عهد جدید که برای قرائت در آیین‌های عبادی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و متعلق به ادوار مختلف هستند، شمارش شدند. به روشنی می‌توان درک کرد که به سبب استنساخ‌های مکرر، تغییراتی در این متن‌ها وارد گشته است که پاره‌ای صرفاً دستوری هستند و پاره‌ای دیگر معنی متن را یکسره تحت تأثیر قرار می‌دهند.

پس از اختراع صنعت چاپ، برای انتشار کتاب مقدس، از متن‌هایی که مورد پذیرش عام بودند استفاده شد. به این ترتیب، نخستین کتاب مقدس چاپی که حاوی متن‌های به زبان‌های اصلی بود، با عنوان *کتاب مقدس آلکالا*<sup>۱۲</sup> انتشار یافت. این کتاب مقدس که عنوان اصلی آن *complutensis Biblia* بود،<sup>۱۳</sup> طی سال‌های ۱۵۱۴-۱۵۱۷ در شهر آلکالادانارس<sup>۱۴</sup> اسپانیا به سرپرستی کاردینال خیمینس دیسیپروس<sup>۱۵</sup> به چاپ رسید. در این کتاب مقدس چندزبانه، عهد عتیق به زبان‌های عبری، لاتینی و یونانی، همراه با ترگوم آرامی تورات، و عهد جدید به زبان‌های یونانی و لاتینی چاپ شد. از سده نوزدهم کوشش به عمل آمد تا متنی منقح‌تر از متن مورد پذیرش عام فراهم آید. در این خصوص، باید به ویژه از کوشش‌های لاخمان<sup>۱۶</sup> (۱۸۳۱)، تیشندورف<sup>۱۷</sup> (۱۸۶۹-۱۸۷۲)، وستکت و هورت<sup>۱۸</sup> (۱۸۸۱)، گرگوری<sup>۱۹</sup> (۱۹۰۰)، و زودن<sup>۲۰</sup> (۱۹۱۳) یاد شود که کارهای آنها راه را برای چاپ معتبر و ماندگاری هموار کرد که به سرپرستی ک. آلاند<sup>۲۱</sup> در شهر مونستر آلمان انجام پذیرفت. امروزه این گرایش وجود دارد که برای هیچ نسخه خطی ارجحیت مطلق فرض نمی‌شود، حتی برای *نسخه اسکندرانی*<sup>۲۲</sup> که در *نسخه واتیکان*<sup>۲۳</sup> و *نسخه سینایی* ارائه شده و وستکت و هورت آن را ارجح می‌شمردند، زیرا این اعتقاد پدید آمده است که شواهد موثقی را در دیگر «خانواده‌های» متون از قبیل انطاکی، قیصرانی یا «غربی» (که در نسخه بزّه<sup>۲۴</sup> ارئه شده است) می‌توان یافت و افزون بر این‌ها، از روایت‌های قدیمی همچون روایت کهن لاتینی (که به نام *Vetus Itala* شناخته می‌شود) و سریانی و قطبی نیز می‌توان بهره برد.

\*\*\*

حال جا دارد نکاتی چند درباره ترجمه تازه عهد جدید به زبان فارسی ذکر شود. این برگردان جدید که دارای مقدمه‌ها، پانوشته‌های تفسیری و ارجاعات حاشیه صفحات است، نخستین ترجمه فارسی عهد جدید است که با این ملحقات در ایران انتشار می‌یابد. مأخذ این ترجمه، روایت فرانسه کتاب مقدس اورشلیم<sup>۲۵</sup> است که از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، معتبرترین ترجمه کتاب مقدس به زبان فرانسه به شمار می‌آید و به اکثر زبان‌های اروپایی برگردانده شده است. تصحیح و ترجمه و تحشیه این کتاب مقدس، ثمره کار گروهی متشکل از سی و سه عالم برجسته بوده است که در میان آنها، به نام دانشمندانی همچون پ. دو مناش،<sup>۲۶</sup> امیل اوستی<sup>۲۷</sup> و... بر می‌خوریم. این ترجمه فرانسه دارای پانوشته‌های تفصیلی و ارجاعات حاشیه صفحات است و در آن برای هر کتاب یا هر دسته کتاب، مقدمه‌ای نگاشته شده که در آن مباحث مربوط به نسخه‌شناسی و تصحیح متن، محتوای ادبی، زمینه‌های تاریخی، مباحث مربوط به قانون کتاب مقدس و نیز الهیات با دقت تشریح شده است. این کتاب مقدس که نخستین چاپ آن در ۱۹۵۵ انتشار یافته است، تا این زمان بارها تجدید چاپ شده و آخرین متن تجدید نظر شده آن که در ۱۹۹۸ نشر یافته، مبنای این ترجمه فارسی بوده است.

مترجم در عین وفادار ماندن به کتاب مقدس اورشلیم و پیروی دقیق از متن آن، برای رفع مشکلات ترجمه، به متن‌های دیگری نیز مراجعه کرده است. در وهله نخست، باید از ترجمه لفظ به لفظ متن یونانی عهد جدید به فرانسه یاد شود که با عنوان عهد جدید، ترجمه بین سطری یونانی به فرانسه<sup>۲۸</sup> به چاپ رسیده است. سراسر ترجمه فارسی حاضر با متن مذکور مقابله شده است. در وهله بعد از ترجمه جامع کتاب مقدس<sup>۲۹</sup> کمک گرفته شده که روایتی بین کلیسایی و ثمره کار محققان مذاهب کاتولیک، پروتستان و ارتدکس است، ترجمه‌های فرانسه دیگری که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از کتاب مقدس اوستی<sup>۳۰</sup>، کتاب مقدس سوگوند،<sup>۳۱</sup> کتاب مقدس اوستروالد،<sup>۳۲</sup> کتاب مقدس شوراک،<sup>۳۳</sup> ترجمه جدید کتاب مقدس<sup>۳۴</sup> و کتاب مقدس مجموعه «لا پائید»<sup>۳۵</sup>

علاوه بر این روایت‌های فرانسه، ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس که در صد و پنجاه سال اخیر به چاپ رسیده‌اند، نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. این منابع به ترتیب عبارتند از کتاب مقدس به ترجمه ویلیام گلن و هنری مارتین (۱۸۷۸)، متن تجدیدنظرشده ترجمه پیشین که متداول‌ترین ترجمه کتاب مقدس در زبان فارسی است (۱۹۰۴)، ترجمه عهد جدید با عنوان مؤده برای عصر جدید (۱۹۷۸)، ترجمه تفسیری کتاب مقدس (۱۹۹۵)، انجیل مسیح (بدون تاریخ)، انجیل عیسی مسیح، ترجمه هزاره نو (۲۰۰۳). علاوه بر این، ترجمه‌های کهن‌تری همچون دیاتیسرون (سده سیزدهم میلادی)، ترجمه انجیل اربعه اثر محمدباقر بن اسماعیل حسینی خاتون‌آبادی (سده دوازدهم قمری) نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. البته دو منبع اخیر بیشتر از لحاظ تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس اهمیت دارند.

مترجم چند سال پیش فرصت آن را یافت که در کتابخانه واتیکان در شهر رم، نسخه خطی ترجمه‌های قدیمی فارسی کتاب مقدس را بررسی کند. این نسخه‌ها که تعداد آنها کمتر از بیست عدد است، اکثراً به دوره قاجاریه تعلق دارند و استنساخ دو یا سه ترجمه اصلی هستند. یک نسخه از ترجمه خاتون‌آبادی (دوران صفویه) نیز در این کتابخانه موجود است که ظاهراً در دوره قاجاریه استنساخ شده است. در سایر کتابخانه‌های بزرگ اروپا، همچون کتابخانه ملی فرانسه، نیز نسخه خطی دیگری از ترجمه‌های قدیمی کتاب مقدس به زبان فارسی نگهداری می‌شوند. البته بدیهی است که این منابع صرفاً از لحاظ تاریخ ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس اهمیت دارند و برای برگردان‌های امروزی نمی‌توانند به عنوان مأخذ مورد استفاده قرار گیرند.

در این ترجمه تازه، با پیروی دقیق از متن کتاب مقدس اورشلیم، حداکثر کوشش به عمل آمده است تا مفاهیم عهد جدید با حفظ امانت منتقل شود. ذکر مثالی در این خصوص خالی از فایده نیست. نخستین جمله انجیل متی که سرآغاز عهد جدید است، معمولاً چنین ترجمه می‌شود: «کتاب نَسَب‌نامه عیسی

مسیح» یا «نَسَب‌نامهٔ عیسی مسیح» با «شجره‌نامهٔ عیسی مسیح». در ترجمه‌های فرنگی این جمله نیز اغلب لفظ *généalogie* آمده که به همان معنای نسب‌نامه یا شجره‌نامه است، اما در متن یونانی این جمله، لفظ «نسب‌نامه» (*yeveaoyia*) به کار نرفته<sup>۳۷</sup> و آیه چنین آغاز می‌شود:

Χριστού ύοσησι΄ ωςζσνέζλΒίβλος

ترجمهٔ دقیق این جمله چنین است: «کتاب پیدایش (= سفر تکوین) عیسی مسیح» محقق فرانسوی ژنه لورانته<sup>۳۸</sup> که صاحب تألیفات متعددی در زمینه مفاهیمی کتاب مقدس است، در اثر خود با عنوان *دیتسرون جدید*<sup>۳۹</sup>، در تفسیر این آیه چنین می‌گوید: «در اینجا متنی واژهٔ پیدایش (*genèse*) را به کار برده است که به نخستین فصل کتاب مقدس اشارت دارد. همان فصلی که با سرگذشت خلقت آغاز می‌شود. چرا انجیل‌نگار در ابتدای دو قطعهٔ نخست انجیل خود (۱/۱ و ۱/۸) دوبار این لفظ معنادار را تکرار کرده است؟ از آن رو که القا کند آمدن مسیح *سرآغاز «خلقت جدید»* است که پیامبران از آن خبر داده‌اند؛ و در مورد دوم، در آیهٔ ۱۸، *پیدایش انسانی عیسی مسیح* اشارت دارد که نام دیگر او *عمانوئیل* به معنای «خدا با ما» (مت ۲۳/۱) است.<sup>۴۰</sup> در ترجمه‌های فارسی کتاب مقدس، واژه پیدایش در آیه ۱۸ کلاب به «ولادت» برگرداند شده است. با شرحی که ارائه گشت، معنای عمیق آیات مذکور روشن می‌شود و آشکار می‌گردد که تفاوت «کتاب پیدایش» با «نسب‌نامه» و «پیدایش (انسانی)» با «ولادت» چه اندازه است. در ترجمه فرانسه *کتاب مقدس اورشلیم*، این نکته ظریف مورد توجه قرار گرفته و دو جمله مذکور چنین برگردانده شده است:

Livre de la genèse de jésus-Christ.

Or relle fut la genèse de Jésus-Christ.

کیفیت برداشت‌های تفسیری از مفاهیم دینی، یکی از عوامل بسیار تأثیرگذاری است که به چارچوب‌های ترجمه متون مقدس شکل می‌دهد و موجب می‌گردد که مترجمان در برگردان الفاظ واحد متون دینی، از معادل‌های مختلف استفاده کنند. این نکته به‌ویژه در مورد مفاهیمی صادق است که می‌توانند مصداق‌های مختلفی داشته باشند. به عنوان مثال، در عهد جدید، عیسی برای طلاق شرطی را معین می‌کند که تنها در انجیل متی ذکر شده است. در باب ۵ این انجیل، آیه ۳۲ چنین می‌خوانیم: «لیک شما را می‌گویم هر آن مردی که زن خویش را به سببی جز فحشا طلاق دهد، او را به زنا کشانیده است»؛ در باب ۱۹، آیه ۹ نیز چنین آمده است: «باری، شما را می‌گویم: هر کس زن خویش را - جز به سبب فحشا - طلاق دهد و زن دیگری را به همسری گیرد، مرتکب زنا شده است.» در متن یونانی انجیل متی، شرط طلاق با لفظ *αἰνεπορ* (*porneia*) بیان شده که در فرهنگ‌های یونانی برای آن این معانی ذکر گشته است: بی‌عفافی، زنا، هرزگی، فحشا، در *کتاب مقدس اورشلیم*، در برگردان دو آیه یاد شده، برای واژهٔ *porneia* معادل *prostitution* به معنای «فحشا» به کار رفته و در پانوشهٔ آیهٔ ۹ باب ۱۹ تصریح شده است که در اینجا *porneia* معنای فنی اصطلاح *زنوت* (*zenût*) یا فحشای نوشته‌های ربّنی را می‌رساند که به هر گونه وصلت غیر شرعی<sup>۴۱</sup> با خویشاوندانی اطلاق می‌شود که شریعت زناشویی با آنان را حرام و زنا با محارم شمرده و اقسام آن در باب ۱۸ کتاب لاویان ذکر گشته است. باید یادآوری کرد که کلیساهای پروتستان و ارتدکس، *porneia* را در این مورد به معنای زناکاری در زندگی زناشویی تفسیر می‌کنند.

علاوه بر این و نه مسائل مفهومی، مشکلات دیگری نیز در ترجمه‌های متون دینی وجود دارد که عمدتاً ناظر بر تحولات زبانی است. به عنوان مثال، یکی از اشکالات ترجمه‌های فارسی قدیمی کتاب مقدس این است که در آنها از الفاظ عربی به معنی رایج نزد اعراب استفاده شده و اسامی شخصیت‌های تاریخی و شهرها و مناطق جغرافیایی به صورت متداول نزد عرب‌زبانان ذکر گشته است. به همین سبب، می‌بینیم در این ترجمه‌ها فی‌المثل گالاتیا به صورت غلاطیه، فرّوگیا به صورت فریجیه، کیلیکیا به صورت قلیقیا، ایکونیون (نام یونانی قونیه) به صورت ایقونیه، کورینتوس (که در زبان فارسی طبق تلفظ فرانسه، به نام کُرنت شناخته می‌شود) به صورت قُرنتُس و... ضبط شده است.

افزون بر این، اسامی عبری نیز به صورت رایج نزد اعراب و گاه به چند شکل ضبط شده است. مثلاً ایلیا که از پیامبران برگ دوران پادشاهان است و در کتاب‌های اول و دوم پادشاهان از او سخن رفته است، در زبان عبری الیاهو (به معنای «خدای من یهوه است») نام دارد. الیاهو در عربی تبدیل به ایلیا (یا به تلفظ دقیق ایلیّا) شده و به همین صورت در ترجمهٔ فارسی کتاب مقدس وارد گشته است. البته شاید در زمان‌های گذشته رسم بر این بوده که از اسامی رایج نزد عرب‌زبان استفاده شود و سواس‌های فعلی در مورد ضبط دقیق اعلام وجود نداشته است. همین نام الیاهو در ترجمه‌های یونانی کتاب مقدس، صورت یونانی یافته و تبدیل به الیاس (*Hlías*) شده، همچنان که نام عبری یونا نیز که به معنی «کبوتر» است، مبدل به یوناس (*Iwvâs*) گشته که یونس صورت آن در زبان عربی است. در عهد جدید، با استناد به کتاب ملاکی عهد عتیق (مل : ۲۳/۳)، از ایلیا به عنوان طلایه‌دار ظهور مسیح یاد می‌شود، اما چون عهد جدید به زبان یونانی نگاشته شده، نام ایلیا در آن به صورت الیاس درآمد و به همین شکل در ترجمه‌های فارسی عهد جدید نیز وارد گشته است. در نتیجه، بسیاری از خوانندگان فارسی زبان کتاب مقدس در نمی‌یابند که مراد از الیاس عهد جدید، همان ایلیای عهد عتیق است و این دو نام، در واقع به یک پیامبر واحد تعلق دارد.



نکته دیگری که حادث از مورد قبل است و گاه درک مطالب روشن کتاب مقدس را برای فارسی‌زبانان امروز دشوار می‌سازد، استفاده از الفاظ عربی به معنای رایج نزد اعراب است. در واقع ما ایرانیان کلمات عربی متداول در زبان خود را نه مانند اعراب تلفظ می‌کنیم و نه به معنای دقیق رایج در زبان آنها به کار می‌بریم. در نتیجه، به کاربرد الفاظ عربی در فارسی باید با توجه به اختلاف معنایی آنها در زبان ما صورت پذیرد. در این خصوص، ذکر مثالی می‌تواند به روشن شدن مقصود کمک کند. در ترجمه فارسی کتاب مقدس (۱۹۰۴)، آیه ۲۸ باب ۴۴ کتاب اشعیا چنین ترجمه شده است: «و [خداوند] درباره کورش می‌گوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید.» در این آیه «مشیت» به اشتباه تبدیل به «مسرت» شده است. اما اشکال کار تنها در این جا نیست. بلکه در این نیز هست که فارسی‌زبانان امروز فعل «به اتمام رسانیدن» را نه به معنای «اجرا کردن، انجام دادن، تحقق بخشیدن» که مراد آیه است، بلکه به مفهوم «به پایان رساندن» به کار می‌برند. معنای روشن این آیه چنین است که کورش شبان یا راهبری از جانب خدا است که مشیت و اراده او را (در رهایی قوم اسرائیل از اسارت بابل) محقق خواهد ساخت و بدان جامع عمل خواهد پوشاند، اما فارسی‌زبانان امروز با خواندن جمله «تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید»، احتمالاً تصور خواهند کرد که کورش باعث به پایان رسیدن شادی خدا و بنابر این، برانگیختن خشم او خواهد شد که دقیقاً معنای عکس آیه را می‌رساند.

مورد دیگری که در این خصوص قابل ذکر است، به واژه یونانی (κοπήσις episcopè) مربوط می‌شود. episcopè که در ترجمه‌های فرانسه کتاب مقدس معمولاً معادل visite به معنای «دیدار» برای آن به کار می‌رود، در کاربرد کتاب مقدس به مفهوم نظر افکندن خدا (epi به معنای «زیر» و òskope به معنای «نگریستن» است)<sup>۴۳</sup> بر شخص یا قومی برای داوری و جزا دادن است که به یکسان می‌تواند منتهی به احسان کردن به آن شخص یا قوم و یا کیفر دادن ایشان شود. در ترجمه فارسی کتاب مقدس (۱۹۰۴)، برای و این واژه معادل «تفقد» به کار رفته است. تفقد اگرچه در زبان عربی به معنای «دیدار، بازدید، بازرسی، تفتیش» است، اما در فارسی از آن مفهوم دلجویی کردن و محبت و عنایت نمودن درک می‌شود، حال آن که عمل یاد شده خدا می‌تواند منجر به عقوبت کردن فرد یا ملتی نیز بشود که متضمن معنای عکس لفظ تفقد در زبان ما است.

\*\*\*

آنچه گفته شد، بی‌گمان به نیت کاستن از قدر و ارزش کار پیشینیان نبود، بلکه از آن روی بود تا تصویری هر چند اجمالی از دشواری‌های ترجمه کتاب مقدس و معضلات این کار ارائه گردد. ترجمه این کتاب هر قدر هم که با دقت و موشکافی انجام پذیرد، هیچ‌گاه به نتیجه نهایی نمی‌رسد و در واقع کاری بی‌انتهاست که در طول زمان پیش می‌رود و کمال می‌یابد، بی‌آن که پایان پذیرد. نگارنده این سطور با علم به مشکلات عظیم این کار، در راه آن گام نهاد و تلاش کرد تا ترجمه‌های در کمال امانت از متن و حواشی عهد جدید به دست دهد، ترجمه‌ای که در عین دارا بودن کیفیت‌های ادبی، ذره‌ای از محتوای متن دور نشده باشد.

کتابی که حاصل آمده است، نتیجه بیش از پنج هزار ساعت کار مداوم در طول زمانی نزدیک به چهار سال است. برای انتشار این برگردان تازه عهد جدید، حقوق ترجمه فارسی مأخذ اصلی آن کتاب مقدس اورشلیم است، طی قراردادی از انتشارات سرف<sup>۴۳</sup> در فرانسه خریداری شد که در این خصوص، لازم می‌دانم از مدیر عامل این انتشارات نیکولا ژان سد<sup>۴۴</sup> یاد و قدردانی کنم. همچنین نسخه‌ای از این ترجمه فارسی عهد جدید برای نظرخواهی به رئیس شورای اسقفان ایران ارائه گشت که پس از انجام بررسی‌های لازم، از سوی ایشان برای آن مجوز انتشار صادر شد. بی‌گمان این کار نقطه آغاز تلاشی است که باید در طول زمان هر چه بیشتر کمال پذیرد.

### پی‌نوشت:

۱. Saint Augustin. عالم بزرگ الهیات مسیحی (تاگاسته [سوق اهراس]. ۳۵۴ - هیپو رگیوس [بونه]. ۴۳۰) که کتاب‌های

اعترافات و مدینه الهی از او بر جای مانده است.

۲. Domitien, امپراتور روم (۵۱-۹۶) که جانشین تیتوس شد و بین سال‌های ۸۱ - ۹۶ سلطنت کرد.

۴. Saint Justin، قدیس یونانی زبان مسیحی (نابلس، حدود ۱۰۰-م، حدود ۱۶۵) که رسالتی در دفاع از مسیحیت نگاشت.
۵. Titus، امپراتور روم (۴۰ یا ۴۱-۸۱)، پسر و شریک و سپاسیانوس در فرمانروایی که خود بین سال‌های ۷۹-۸۱ سلطنت کرد.
۶. Macion، بدعتگذار گنوسی (سینوپ، حدود ۸۵-حدود ۱۶۰) که در سال ۱۴۴ در رم طرد شد و کلیسایی را بنیاد نهاد که در حوضه مدیترانه و بین النهرین گسترش یافت.
۷. Tatien، دفاعیه نویسنده مسیحی (بین النهرین، حدود ۱۲۰ - پس از ۱۷۳) که شاگرد یوستینیوس در روم بود و کتاب **خطابه به یونانیان** و گزیده چهار انجیل که به نام **دیاتسرون** معروف است، از آثار او است.

8. Diatessaron

9. Ludovico Antonio Muratori

۱۰. Saint Athanase، عالم الهیات کلیسا (اسکندریه، ۲۹۵-همانجا، ۳۷۳) که در شورای نیقیه شرکت کرد و در سال ۳۲۸ اسقف اسکندریه شد.

11. onciale

12. Bible d'Alcalà

۱۳. کومپلوتو (Compluto) نام قدیم شهر آلكالا دِ انارس بوده است و در زبان اسپانیایی **compluense** به معنی منسوب یا متعلق به کومپلوتو (=آلكالا دِ انارس) است.

14. Alcalá de Henares

15. Jiménez de Cisneros

16. Lachmann

17. Tischendorf

18. Westcott & Hort

19. Gregory

20. Soden

21. K. Aland

22. Alexandrinus

23. Vaticanus

۲۴. Cakex Bezae، این نسخه که در احتمالاً در سده چهارم کتابت شده است و می‌توان آن را «نسخه لیون» نیز نام نهاد، بیش از هزار سال در دیر قدیس ایرنئوس شهر لیون نگهداری می‌شد، اما در ۱۵۶۲، زمانی که لیون در بحبوحه جنگ‌های دینی در معرض غارت و چپاول قرار گرفته بود، اصلاح‌طلبان پروتستان این نسخه را از شهر خارج کردند و به تئودور دو بز (Théodore de bèze) سپردند. این شخص که شاگرد و جانشین کالون (Calvin) بود، از دریای مانس گذشت و در ۱۵۸۱ این نسخه را به کتابخانه دانشگاه کیمبریج در انگلستان اهدا کرد که تا این زمان نیز به نام او در آنجا نگهداری می‌شود.

25. La Bible de Jenusalem

26. P. de Menasce

27. Èmile Osty

28. Nouveau Testament interlineaire grec/francais

29. Trakuktion Œcuménique de la Bible

30. La Bible Osty

31. La Bible Segond

32. La Bible Ostervald

33. La Bible Chouraqui

34. La Nouvelle Traduction de la bible

35. La Pléiade

۳۶. در عهد جدید، لفظ یونانی در ۱ تیم: ۴/۱، تیت: ۹/۳، عب: ۳/۷، ۶/۷ به کار رفته است.

37. Rene Laurentin

38. Nouveau Diatessaron

۳۹. رُنه لورانتن، **دیاتسرون جدید**، ص ۶۸، پانوش ۱.

40. union illegale

۴۱. واژه «اسقف» (و معادل فرانسه آن évêque) از لفظ یونانی episkopos به معنای «ناظر» گرفته شده است.

42. Les Éditions du Cef

43. Nicolas Jean Sed